فرهیختگان
@farhikhtegandaily
WWW.FDN.IR

گزارش

پل شریدر فیلمنامه‌نویس مشهور آمریکایی در جشنواره جهانی فیلم فجر:

دیگر نمی‌شود به ملیت آمریکایی افتخار کرد

صبح دیروز خبرنگاران سینمایی در پردیس چارسو میزبان پل ژوزف شریدر، فیلمساز، فیلمنامه‌نویس و منتقد آمریکایی بودند تا از او درباره ابعاد مختلف سینما سوال کنند. او ابتدا درباره استاندارد برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر گفت: «در دنیا چند فستیوال هستند که می‌توانم این جشنواره را با آنها مقایسه کنم، مثل جشنواره تورنتو ولی از ابعاد این جشنواره و تعداد فیلم‌های حاضر در آن شگفت‌زده شدم.»

شریدر درباره آشنایی‌اش با سینمای ایران هم گفت: «درباره جایگاه سینمای ایران که تردیدی نیست چون جایگاه ویژه‌ای دارد. در ۱۵ سال گذشته سه نهضت ملی سینمای ایران، رومانی و آرژانتین شکل گرفته و همیشه این انتظار می‌رود که در هر جشنواره‌ای از سینمای ایران فیلمی حضور داشته باشد.»

وی افزود: «برای بیشتر ما در غرب، سینمای ایران با کیارستمی شروع شد ولی بعد به فرهادی رسیدیم و حالا هم فیلم‌های دیگری هستند. یکی از دوستان من گادفری چیشایر (منتقد آمریکایی) است که فیلم‌های ایرانی زیادی دیده و کتابی درباره سینمای ایران می‌نویسد و به من فیلم‌های ایرانی پیشنهاد می‌دهد.» او همچنین درباره آینده سینما با وجود شبکه‌های مختلف و کمپانی‌هایی مثل نتفلیکس بیان کرد: «من فکر می‌کنم در این ۱۰۰ سال هرچه آموختیم خیلی به کارمان نیاید چون همه‌چیز تغییر کرده، مدت زمان فیلم‌ها عوض شده و اینکه کجا فیلم ببینیم و چگونگی پخش و عرضه همگی تغییر کرده است. من قبلا فکر می‌کردم در یک مقطع گذار هستیم ولی الان فکر می‌کنم در یک مقطع گذار دائم هستیم. الان دیگر بازار هدف، آمریکایی‌ها نیستند بلکه برای چینی‌ها می‌سازیم، مثل «انتقام‌جویان» که فروش آن در چین با ۲۷ میلیون دلار شروع شد.»

این فیلمنامه‌نویس با اشاره به استودیوهای نتفلیکس در کشورهای مختلف گفت: «الان یک عامل دیگر در ارتباط با فناوری جدید وجود دارد؛ در حالی که فیلم‌ها منحصر به کلاس خاصی از فیلمسازان بودند، تکنولوژی این مرزها را شکسته و هرکسی می‌تواند فیلم بسازد. خبر خوب برای آینده سینما این است که هرکسی می‌تواند فیلم بسازد ولی خبر بد اینکه دیگر نمی‌شود امرار معاش کرد.»

او در بخش دیگری در پاسخ به اینکه به‌نظر می‌رسد شناختش از سینمای ایران بیشتر با فیلمسازانی باشد که به‌نوعی سیاسی شناخته شده‌اند، بیان کرد: «تا جایی که من می‌دانم دو نوع سینما در ایران وجود دارد؛ یکی برای مجامع عمومی است و یکی هم داخلی و من بیشتر فیلم‌هایی را دیده‌ام که بیرون نمایش داشته‌اند، اما فیلم‌هایی را که درباره جنگ بوده چون خارج از کشور چندان نمایشی نداشته، مسلما ندیده‌ام. شما مثل فیلیپین دو سینمای داخلی و خارجی دارید و به همین دلیل دو جشنواره فجر هم دارید.

فیلمنامه‌نویس «راننده تاکسی» در پاسخ به سوال دیگری درباره امکان مشارکت با ایران برای تولید فیلم گفت: «سینمای ایران راه خود را پیدا کرده و به هالیوود نفوذ کرده است. متاسفانه در جهان سیاسی آمریکا جریانی برای تغییر رژیم ایران بوده ولی همیشه کنترل شده است، اما الان شرایط خیلی سخت شده که بخواهیم برای همکاری و مشارکت با آن سوی اقیانوس، برنامه‌ریزی کنیم.»

شریدر درباره تحریم‌های ترامپ علیه ایران و آسیب‌های آن به هنرمندان و سینما و میزان اثرگذاری آن با ابراز تاسف از تحریم‌ها اظهار کرد: «الان دورانی است که نمی‌شود به آمریکایی‌بودن افتخار کرد در حالی که من همیشه و حتی زمان جنگ ویتنام به آمریکایی‌بودنم افتخار می‌کردم. در حال حاضر آنچه پیش آمده به بهانه مقابله با ایران و درواقع برای دستیابی به نفت و منابع طبیعی شماست و این چیزی است که در ۱۰۰ سال گذشته وجود داشته و تاثیر یک هنرمند در مقایسه با ماشین پروپاگاندا خیلی اندک است. به همین دلیل به‌نظرم این وضعیت بسیار عذاب‌آور است.»

او درباره اینکه شروع کارش در سینما با نقدنویسی بوده ولی دیگر سراغ آن نمی‌رود، گفت: «من از نقد فیلم به سمت فیلمسازی رفتم چون دغدغه‌های شخصی داشتم که جز با فیلم داستانی نمی‌شد آن را دنبال کرد؛ اما نکته اینجاست که وقتی به این سمت می‌آیی دیگر برگشتن به آن سوی پل سخت است، چون دیگر نمی‌شود درباره یک بازیگر نقد نوشت وقتی ممکن است همین فردا بخواهی در فیلمت بازی کند؟ با این حال هنوز به نوشتن ادامه می‌دهم ولی بیشتر در قالب مقاله است.»

این فیلمنامه‌نویس آمریکایی سپس درباره موضوع کلی سانسور و آنچه در کشورش که مدعی آزادی است وجود دارد، بیان کرد: «سانسور انواع مختلفی دارد، اما بدترین نوعش سانسور رسمی است. البته سانسور در دنیا رو به فزونی است. مثلا الان نیروهایی در برزیل، ایالات متحده و فرانسه هستند که تلاش می‌کنند هر مساله‌ای مطرح نشود و هروقت کلیسا و حکومت با هم ترکیب می‌شوند، این مشکلات پیش می‌آید.»

شریدر در ادامه درباره جایزه اسکار اظهار کرد: «من احترام زیادی برای اسکار قائل نیستم و رقابت شایسته‌سالارانه‌ای نیست. اسکار نوعی اولویت‌بندی کاذب است که مردم اغلب برندگان آن را فراموش می‌کنند. حداقل در بازار سینمای غرب ۱۰ تا ۱۲ فیلم مستقل فرصت بروز دارند که باعث می‌شود توجه مردم جلب شود ولی این تعداد از بین ۱۵ هزار فیلم انتخاب شده و از همین رو نهادها و جشنواره بسیاری ساخته شده تا به همین ۱۰ فیلم برسد و درنهایت بدون داشتن کارزار تبلیغاتی به موفقیتی نمی‌رسید. جمعیت رای‌دهندگان اسکار تغییر کرده است، برای مثال یک فیلم آلمانی کاندیدای جایزه فیلمبرداری می‌شود ولی با چنین جمعیتی همیشه نازل‌ترین‌ها رای می‌آورند.»

شریدر درباره جنبش metoo نیز گفت: «این اتفاق همانند یک پاندول است که بازگشت سهمگین‌تری دارد و باید صبر کرد.»

رسانه ملی پس از ورود مراجع تقلید و رهبری درخصوص مسابقه‌های پیامکی چگونه عمل خواهد کرد؟

تلویزیون بازنده بخت‌آزمایی

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

«نباید فرهنگ نشستن و انتظار ثروت بادآورده را در مردم ترویج کنیم» این جمله را رهبر انقلاب، صبح روز چهارم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۸ در دیدار کارگران ایرانی بیان کرد؛ آن هم در فردای روزی که ایالات متحده، پس از اقدامات متعددی که برای درهم‌شکستن مقاومت مردم ایران طی یکی، دو سال اخیر انجام داده بود، یک اقدام عملی جدی برای رساندن صادرات نفت ایران به صفر انجام داد. حالا حواس‌ها همه به سمت این قضیه معطوف بود و همه منتظر اظهارنظرهایی مستوفا درباره نفت و تحریم و چیزهایی از این دست بودند؛ اما همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات طرح شده در این دیدار، اشاره‌ای ضمنی به برنامه‌های تلویزیون ملی ایران در سال‌های اخیر بود و نوع فرهنگ‌سازی آنها؛ «ما باید فرهنگ کار، تولید و تلاش را ترویج کنیم. روحیه نشستن و انتظار ثروت بادآورده [را کشیدن] باید از بین برود؛ این را نباید ترویج کنیم. دستگاه‌های مختلف، کاری از نوع بخت‌آزمایی را انجام ندهند؛ این را متوجه باشند.» این صحبت‌ها در جمع کارگران که نماد آفرینندگی تلاشگرانه انسان‌ها روی زمین و بازوی اصلی تولید هستند بیان می‌شد؛ «در قرآن آمده «لَیسَ لِلانسانِ الّا ما سعی»، دستاورد واقعی انسان آن چیزی است که محصول سعی و تلاش اوست. آن جایی که فکر و بازو و همت و اراده انسان کاری کند، جایی است که جامعه را رشد می‌دهد. باید تلاش کرد؛ منتها ما نگاه‌مان فقط مادی نیست، دنبال معنویت، صلاح، عزت جامعه و پیشرفت اخلاقی جامعه هم هستیم.»

این صحبت‌ها مشخصا پس از آن بیان شد که استفتاء یکی از مقلدان، آیت‌الله مکارم‌شیرازی را به اظهارنظری صریح درباره برنامه «برنده باش» واداشت. «برنده باش» در صدر فهرست برنامه‌هایی از قبیل «پنج ستاره»، «ستاره ساز» و انواع و اقسام مسابقات پیامکی، اپلیکیشنی و استودیویی تلویزیون قرار می‌گیرد که تردیدی نیست «ترویج‌دهنده انتظاری متوهمانه برای ثروت بادآورده» و مصداق بارز «قمار» و «عدم مالکیت مشروع برندگان آنها بر چیزی که برنده شده‌اند و برگزارکنندگان مسابقه بر سودی که نصیب‌شان شده» است. یکی از مقلدان آیت‌الله مکارم‌شیرازی در استفتائی مکتوب، پس از شرح نوع برگزاری مسابقه «برنده باش»» از مرجع تقلیدش پرسیده بود که آیا برگزاری این نوع مسابقات و شرکت در آنها جایز است و آیا شرکت‌کننده، مالک شرعی جایزه خواهد شد؟ پاسخ آیت‌الله مکارم این بود که «این کار قمار است و کسانی که شرکت می‌کنند، مالک آن جوایز نیستند.» پس از بازتاب گسترده پاسخی که آیت‌الله مکارم به این استفتاء داده بود، روابط‌عمومی «برنده‌باش» نهایت تلاشی را که می‌توانست برای آخرین دفاعیات از برنامه انجام بدهد، به کار گرفت و اعلام کرد: «در پی انتشار استفتائی پیرامون مسابقه «برنده باش» به اطلاع می‌رساند، فرض مطرح شده در سوال استفتاء کامل نیست و طبیعتا فرض ناکامل، جایگاه سوال را مخدوش می‌سازد.»

یکی، دو روز بیشتر از این پاسخ روابط‌عمومی «برنده باش» نگذشته بود که اشارات رهبر انقلاب به این موضوع، در جمع کارگران ایرانی، تنور بحث درباره قمار دیجیتالی تلویزیون را قبل از آن که سرد شود، حرارتی مجدد و مضاعف داد. از طرفی همزمان با دیدار کارگران ایرانی با رهبر انقلاب، آیت‌الله مکارم هم پیش از شروع درس خارج فقه در مسجد اعظم، با ورود مجدد به این موضوع، موضع‌گیری‌اش را چنان صریح و غیرقابل تحریف بیان کرد که دیگر روابط‌عمومی «برنده باش» یا هرکدام از برنامه‌های شبیه به آن نتوانند بگویند «سوال استفتاء کامل نیست و طبیعتا فرض ناکامل، جایگاه سوال را مخدوش می‌سازد.» آیت‌الله مکارم در این‌باره با اشاره به اینکه سوالات این نوع مسابقات هم باید معقولانه باشد چراکه گاهی اوقات حتی سوالات مذهبی نامعقولی مطرح می‌کنند، در ادامه گفتند: «فرض بگیریم سوالات خوب، اگر پول جوایز را (برگزارکنندگان مسابقه) از خودشان بدهند اشکالی ندارد، اما اگر پول را از شرکت‌کنندگان بگیرند کما اینکه عده زیادی به روش‌های مختلف این کار را می‌کنند و غالبا بخش اعظم پول به جیب برگزار کننده مسابقات می‌رود و درصد اندکی به شرکت‌کنندگان می‌دهند، در اینجا هر دو حرام می‌شود.» این مرجع تقلید با تاکید مجدد بر اینکه این مساله نوعی بخت‌آزمایی و قمار است، تصریح کرد: «سایر حضرات آقایان (مراجع تقلید) هم همین نظر را گفته‌اند و ما البته با صراحت بیشتری بیان کرده‌ایم.» بخش ابتدایی صحبت‌های آیت‌الله مکارم که به نوع سوالات طرح شده در مسابقه «برنده باش» اختصاص داشت، نشان می‌داد که ایشان خودشان برنامه را دیده‌اند و نمی‌شود گفت که شخص استفتاءکننده درست سوال پرسیده و باعث سوءتفاهم شده است. گرچه در پاسخ روابط‌عمومی این برنامه هم هیچ اشاره‌ای نشده بود که کدام بخش از این سوال مخدوش است؟ بخش پایانی صحبت‌های آیت‌الله مکارم هم مساله‌ای جدی را طرح می‌کرد و به این ترتیب شکی باقی نمی‌ماند که شیوه فراگیر رسانه ملی در ماه‌ها و سال‌های اخیر برای برنامه‌سازی‌های تلویزیونی، مصداق قمار است. رهبر انقلاب درباره تاثیر فرهنگی این برنامه‌ها هشدار دادند و آیت‌الله مکارم به قماربودن و حرام‌بودن آنها اشاره کردند و غیر از این موارد هم جست‌وجو در فرآیند حقوقی این برنامه‌ها یا پیگیری منابع مالی تولیدشان و چگونگی پیوست این درآمدها به خزانه تلویزیون و... هم سوالات متعددی برای افکار عمومی طرح کرده‌اند که اتفاقا هیچ‌کدام هم مخدوش نیستند و در عوض، پاسخ‌هایی که در برابرشان قرار داده شده، مبهم، ناقص و غیرمنطقی است؛ البته اگر پاسخی در کار بوده باشد. با این حال اگر همچنان تغییری در این روند صورت نگیرد، آن هم پس از اعلام نظر صریح رهبر انقلاب و مراجع قم، نگرانی درخصوص ساختارهای اجرایی و فرهنگی کشور می‌تواند بسیار جدی‌تر شود و این‌بار شاید نوبت مراجع قضایی خواهد بود که به قضیه ورود کنند.

نبود شفافیت مالی یکی از ایراداتی است که درمورد درآمد مسابقات پیامکی در رسانه ملی مطرح است. شرکت توسعه کسب‌وکار ایرانی(توسکا)، یکی از شرکت‌های اقماری صداوسیماست که از مهرماه ۱۳۹۶ به‌صورت رسمی ثبت شد و توانست در آگهی مزایده‌ای که تنها ۱۰ روز بعد و در تاریخ ۲۶ مهر ۱۳۹۶ برگزار شد، انحصار تبلیغات مرتبط با سرویس‌های ارزش افزوده و اپلیکیشن‌ها در سازمان صداوسیما را کسب کند. توسکا، همچنان تن به شفاف‌سازی درباره فعالیت‌هایش در برنامه‌های تلویزیونی و درآمدی که تا امروز از کدهای دستوری و سرویس‌های ارزش‌افزوده کسب کرده، نداده است و همچنان مشخص نیست که ارتباط مالی‌اش با برنامه‌های تلویزیونی که اعلام کرده اسپانسر آنها بوده، چگونه است. شاید اعلام رسمی رقم درآمد شرکت توسکا بتواند ابهامات سازمان صداوسیما درخصوص کمبود بودجه سازمانی‌اش را هم برطرف کند.

نمایشگاه کتاب

فروش بدون تبلیغات خاطرات یک زن خبرنگار

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

ساعت ۱۰ صبح، سرود ملی و بعد هم صدای رادیو نمایشگاه که با خوشامدگویی به مخاطبان کارش را شروع کرد. «اینجا مصلی روز اول نمایشگاه کتاب» صف طویلی برای سوارشدن به شاتل‌ها شکل گرفته و بخشی از کسانی که آمده‌اند، غرفه‌داران و بخشی هم مخاطبان و عاشقان کتاب هستند. پله‌ورودی شبستان پر شده و اکثرا دانشجویان شهرستانی که برای گرفتن بن‌هایشان آمده‌اند تا کتاب‌های موردنظرشان را بخرند. گله اکثرشان هم این است، نمی‌دانند کارت‌هایشان را چگونه تحویل بگیرند. غرفه‌ها در شبستان هنوز راه نیفتاده و کتیبه‌ها نصب نشده، اما به‌قول دوستی تازه روز اول است ۱۰ روز وقت دارند که همه‌چیز را درست کنند. خیلی از غرفه‌ها کارتخوان ندارند و همین باعث شده که مردم برای خریدهایشان مشکل پیدا کنند، از بانک سوال کردیم و می‌گویند، چهارهزار کارت‌خوان درخواست داده شده، امروز سعی می‌کنیم همه کارت‌خوان‌ها را وصل کنیم.

غیر از حواشی‌ای که هرروز در این‌ستون برایتان می‌گوییم، یک اتفاق جذاب نمایشگاه را هم برایتان روایت خواهیم کرد، امروز غرفه کتابستان معرفت برعکس غرفه‌های دیگر شلوغ بود و دلیلش هم کتاب جدیدی است که این نشر به نمایشگاه آورده است، کتاب «به من گفتند تنها بیا» خاطرات تنها زن خبرنگاری که به مقر داعش رفته است: «من روزنامه‌نگاری بودم که ستیزه‌جویی اسلامی در اروپا و خاورمیانه را برای نیویورک‌تایمز، خروجی‌های خبری مهم آلمانی‌زبان و اکنون واشنگتن‌پست، پوشش می‌دادم؛ دیده بودم که در دنیای خلق‌شده پس از حملات ۱۱ سپتامبر، دوجنگ به‌رهبری آمریکا و تحولاتی که اکنون به بهار عربی مشهور شده‌اند این گروه شکل گرفت. سال‌ها بود که با برخی اعضای آتی این گروه حرف می‌زدم. به رابطه‌هایم باداعش گفتم که هر سوالی بخواهم می‌پرسم و قرار نیست تاییدیه نقل‌قول‌ها را بگیرم یا مقاله را پیش از انتشار نشان‌شان بدهم. همچنین باید تضمین می‌کردند که ربوده نشوم. و چون گفته بودند کس دیگری را از واشنگتن‌پست نیاورم...»

این کتاب را فائزه نوری ترجمه کرده، کتاب آنقدر جذاب بوده که همان روز اول خیلی‌ها برای خریدش صف کشیده‌اند. محمد یکی از کسانی است که برای خرید کتاب آمده، وقتی می‌پرسم چرا برای خرید این کتاب آمدی؟ و از کجا متوجه شدی؟ می‌گوید: «وقتی کتاب به‌زبان اصلی منتشر شد منتظر ترجمه‌اش بودم و امسال فهمیدم کتابستان آن را منتشر کرده است. برای خریدش آمدم. این کتاب قرار است چند چاپش به نمایشگاه برسد و مطمئنا استقبال از آن باعث تجدید چاپ‌های متعدد می‌شود. اینجا مصلی، نمایشگاه کتاب تهران است اگر عاشق کتاب هستید تا ۱۴ اردیبهشت فرصت خرید کتاب دارید.

چارسو

بنیاد رودکی بلیت‌های بازار سیاه را می‌فروشد؟

کنسرت کیهان کلهر به مدت ۱۰ شب از ۲۱ تا ۳۱ فروردین در تالار وحدت برگزار شد. بلیت‌فروشی این اجراها اسفند سال ۱۳۹۷ انجام شده بود؛ بلیت‌هایی که زود تمام شد و حتی بعد از تمدید اجرا برای چند شب، خیلی از علاقه‌مندان کنسرت کیهان کلهر موفق به خرید بلیت نمی‌شدند. این در حالی بود که بازار سیاه بلیت‌ها تا رقم ۸۵۰ هزارتومان هم رفته بود. «تسنیم» روز گذشته درمورد علت این مساله نوشت: «بالاترین رکورد قیمتی که میان بلیت‌های بازار سیاه مشاهده شد، رقم ۸۵۰ هزار تومان بود. در میان بلیت‌های بازار سیاه، ردیف‌های ۳ و صندلی‌های جایگاه ویژه بیشتر از همه دیده شد. بررسی‌های خبرنگار تسنیم نشان می‌دهد مسئولان تالار وحدت (این تالار زیر نظر بنیاد رودکی اداره می‌شود) در هر اجرا، ردیف‌های یک و سه از صندلی‌های همکف را برای خود کنار می‌گذارند و گروه هنری به‌هیچ‌عنوان نمی‌تواند این بلیت‌ها را بفروشد.»

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «وقتی کنسرت کیهان کلهر برای ۱۰ شب در تالار وحدت برگزار می‌شود، یعنی تالار وحدت و مسئولانش بیش از ۱۰۰۰ صندلی این اجراها را در اختیار داشته‌اند. شاید همین تعداد زیاد بلیت‌هایی که در اختیار بنیاد رودکی بوده و البته میزان بالای تقاضای مخاطبان برای دیدن کنسرت کلهر، سبب شد بازار سیاه بلیت‌های کنسرت کلهر ایجاد شود. بررسی سایت دیوار در روزهای برگزاری کنسرت کیهان کلهر، نشان می‌دهد بسیاری از بلیت‌هایی که در بازار سیاه به قیمت‌های نجومی به فروش می‌رسید، همین بلیت‌هایی بودند که در اختیار بنیاد رودکی قرار داشته‌اند.»

تغییر در بخش بهترین فیلم خارجی «اسکار»

هیات‌مدیره آکادمی اسکار در جدیدترین جلسه خود از تغییراتی در روند برگزاری این جوایز سینمایی ازجمله تغییر نام شاخه بهترین فیلم خارجی خبر داد. در این جلسه که شب گذشته (سه‌شنبه) برگزار شد اعضای هیات‌مدیره آکامی درنهایت تصمیم گرفتند نام شاخه بهترین فیلم خارجی جوایز سینمایی اسکار را به شاخه «بهترین فیلم بین‌المللی» تغییر دهند. تغییر در نام این شاخه از جوایز سینمایی اسکار با تغییرات دیگری در قوانین ازجمله فرآیند معرفی فیلم یا الزامات واجد شرایط بودن برای حضور در این بخش همراه نخواهد بود. بهترین فیلم بین‌المللی همچنان به‌عنوان اثری تعریف می‌شود که در کشوری خارج از آمریکا با دیالوگ‌هایی عمدتا غیرانگلیسی ساخته شده باشد و می‌تواند آثار انیمیشن و مستند را نیز شامل شود و در هر دوره نیز هر کشور می‌تواند یک فیلم به‌عنوان نماینده خود انتخاب کند. «لری کارازوفسکی» رئیس شاخه بهترین فیلم بین‌المللی جوایز اسکار دراین‌باره توضیح داد: «متوجه شدیم استفاده از عنوان «خارجی» در جامعه جهانی فیلمسازی قدیمی و منسوخ است و معتقدیم عنوان بهترین فیلم بین‌المللی ماهیت این شاخه از جوایز اسکار را بهتر نشان می‌دهد و موجب ترویج دیدگاهی مثبت و همه‌جانبه به فیلمسازی و هنر فیلم به‌عنوان یک تجربه جهانی می‌شود. فهرست کوتاه نامزدهای شاخه بهترین فیلم بین‌المللی نیز به ۱۰ فیلم افزایش یافته است که شامل انتخاب هفت فیلم در فاز اول توسط کمیته اسکار فیلم بین‌المللی و سه فیلم دیگر به انتخاب کمیته اجرایی شاخه بهترین فیلم بین‌المللی خواهد بود. نودودومین دوره جوایز سینمایی اسکار نهم فوریه ۲۰۲۰ (۲۰ بهمن) برگزار می‌شود.»

خاطرات رهبر انقلاب به انگلیسی ترجمه می‌شود

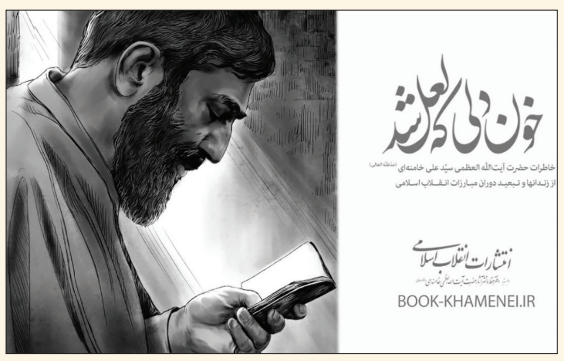

کتاب ۴۲۴ صفحه‌ای «خون دلی که لعل شد» به‌همت محمدعلی آذرشب گردآوری شده است. این کتاب ترجمه فارسی کتاب «إنّ مع الصّبر نصراً»، زندگینامه رهبر معظم انقلاب است که توسط انتشارات انقلاب اسلامی چاپ و روانه بازار نشر شد. انتشارات انقلاب اسلامی در سی‌ودومین دوره نمایشگاه کتاب تهران برای اولین بار این کتاب را عرضه می‌کند. ترجمه فارسی این کتاب که در روزهای پایانی سال گذشته به چاپ رسیده بود، در طول یک ماه گذشته با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه بود، به‌طوری که تاکنون بیش از ۲۵ هزار نسخه از این اثر به فروش رفته است. با استقبال مردمی از این خاطرات، گروه‌های مردمی و مذهبی در ۶ کشور دیگر نیز درخواست ترجمه و انتشار این اثر را دارند که در حال حاضر ترجمه «خون دلی که لعل شد» به زبان انگلیسی در حال انجام است. کتاب حاضر شامل بیان حکمت‌ها، درس‌ها و عبرت‌هایی است که به‌فراخور بحث‌ها بیان شده است. در مقدمه «خون دلی که لعل شد» درباره چگونگی نگارش این کتاب آمده است: «ایشان (رهبر معظم انقلاب) ۲۰ سال پیش از این، با وجود تراکم کارها و اشتغالات، در جلساتی هفتگی درباره مسائل گوناگون به عربی سخن گفته و متونی را از ادبیات عرب-و البته بیشتر از ادبیات جدید عرب- می‌خواند. در خلال برخی صحبت‌ها خاطراتی از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و تبعیدها بازگو می‌شد که آمیزه‌ای از تجربیات شخصی و اجتماعی بود. در یکی از این جلسات به ایشان عرض شد ضرورت دارد این خاطرات به نگارش درآید تا خوانندگان از آن مطلع و بهره‌مند شوند. ایشان با تشکر، این درخواست را اجابت فرمود و این کار را با املا کردن خاطرات زندگی خود آغاز کرد.»